



# ستاره‌های طلایی از خودگذشتگی



مریم شهرآبادی  
کارشناس آموزش ابتدایی

در جنوب استان فارس، ۱۸ کیلومتری شهر لار، روستای کورده با مدیر جوان و توانمندی به نام آقای «علیرضا اندیشمند» متولد ۱۳۶۸ آشنا شدیم. وی فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، مؤلف کتاب و مدرس کشوری ریاضی، مدرس دوره‌های ضمن خدمت و سرگروه سابق پایه‌ی ششم ابتدایی شهرستان لارستان، گرافیست و خوش‌نویس است و از سال ۱۳۹۱، تدریس را در روستای زاهد محمود لارستان آغاز کرده است. علیرضا اندیشمند تدریس چندپایه، تدریس تک‌پایه‌ی شهر و روستا، مدیر آموزشی، معاونت و مدیریت را نیز در کارنامه‌ی خود دارد. تدریس در دانشگاه فرهنگیان هم از دیگر فعالیت‌هایش بوده که به دلیل مشغله‌ی کاری پس از مدیر شدن رها شده است. وی در حال حاضر مدیر دبستان ابدی روستای کورده است که زادگاه اوست. او امید دارد انگیزه‌ی کافی برای ادامه‌ی تحصیل را پیدا کند و این موضوع را جزو برنامه‌های آینده‌ی خود گذارده است.

■ شما در دبیرستان تیزهوشان در رشته‌ی ریاضی و فیزیک درس خوانده‌اید، چرا شغل معلمی را انتخاب کردید؟

در زندگی همه‌ی ما، انسان‌هایی وجود دارند که کلام و نگاهشان به زندگی مان جهت می‌دهد. از توفیقات من نیز در دوران تحصیل داشتن چنین معلمان متخصص و متعهدی بود که کلامشان برای من زمزمه‌ی محبت بود. آشنایی با این استادها و مشاهده‌ی تأثیراتشان بر تغییر مسیر زندگی انسان‌ها من را به دنیای معلمی علاقه‌مند کرد. بنابراین علی‌رغم اینکه در دبیرستان رشته‌ی ریاضی می‌خواندم؛ به علاقه‌ی دیرینه‌ی خود برگشتم و در اولویت اول انتخاب رشته، دانشگاه فرهنگیان را انتخاب کردم.

■ مدرسه‌ی شما چند دانش‌آموز دارد و چطور با وجود سن کم، مدیر مدرسه شده‌اید؟

وجود روستاهای زیاد و پراکنده و همچنین وجود معلمان غیربومی در این منطقه سبب شده است تا آموزش و پرورش برای بازدهی بیشتر





فعالیت‌های آقای اندیشمند  
(زمان آموزش گاری)

است. به سراغ دومین سال تدریس در روستای زاهد محمود و قصه‌ی «ستاره‌ای برای از خود گذشتگی» می‌روم.

در یک مدرسه‌ی چندپایه‌ی روستایی، آموزگار کلاس چهارم و ششم بودم. دانش‌آموزان کلاس چهارم، شش دختر و یک پسر بودند. در این کلاس دختر شیرین‌زبان و باهوشی به اسم شکیلا داشتیم که پدرش از اتباع افغانستان بود. هیچ مدرک هویتی برای صدور مدارک تحصیلی رسمی شکیلا وجود نداشت و این دانش‌آموز با همکاری مدیر و معلم‌ها به‌صورت آزاد درس می‌خواند. مدرسه‌ی ما دستگاه تکثیر نداشت و من به کمک کاربن و چند بار نوشتن، با فشار زیاد خودکار، برگه‌های آزمون را برای امتحان بچه‌ها آماده می‌کردم. همین موضوع باعث می‌شد گاهی دیرتر به مدرسه برسم. یکی از این روزها وقتی به مدرسه آمدم متوجه شدم کارتنی پر از دفتر برای توزیع بین دانش‌آموزان فرستاده شده است. مدیر در حال توزیع دفترها بین دانش‌آموزان بود. از مدیر پرسیدم: به بچه‌های کلاس من هم دفتر داده‌اید؟ گفت: بله. پرسیدم: به شکیلا چطور؟ گفت: نه، چون ایشان دانش‌آموز آزاد است و سهمیه ندارد.

این حرف مدیر خیلی مرا ناراحت کرد. به این فکر می‌کردم که به یقین در روحیه‌ی او تأثیر منفی خواهد داشت. به سمت کلاس رفتم. وارد کلاس شدم. با بچه‌ها احوال‌پرسی کردم و روی صندلی نشستم.

روی نیمکت‌ها پر از دفتر بود. آن دفترها آرام می‌دادند و در ذهنم به خرید دفتر برای شکیلا فکر می‌کردم. یکی از دخترهای کلاس دست بلند کرد و گفت: آقا ما امروز یک کار خوب کردیم. منتظر بودم بگویند مثلاً کلاس را جارو زدیم یا میز را تمیز کردیم و... اما گفت: به شکیلا دفتر ندادند، ما هر کدام یکی از دفترهایمان را به او دادیم.

نگاهم به شکیلا و دفترها و لبخند معصومانه‌اش افتاد. برای تشویق بچه‌ها برای هر دانش‌آموز یک مقوای رنگی به شکل بادکنک به دیوار زده بودم که بعد از هر عملکرد مثبت یک ستاره در رنگ‌های قرمز، آبی یا سبز، برایشان می‌چسباند. هیچ‌وقت ستاره‌ی طلایی را به کسی نمی‌دادم و به مزاح می‌گفتم: ستاره‌ی طلایی به کسی داده می‌شود که خیلی کولاک کرده باشد. آن روز بعد از تأیید و تشویق کارشان، گفتم: به خاطر این کار زیبایانم مستحق بالاترین تشویق هستید. ستاره‌ی طلایی را برای همه‌ی شاگردانم بلدکنشان چسباند.

روش‌های خلاقانه و با ایده‌گرفتن از معلمان باتجربه، آموزشی ملموس و جذاب داشته باشم. در مدیریت مدرسه نیز مهم‌ترین عامل موفقیت یک مدیر، حاصل ارتباط مؤثر مدیر با معاونان، معلمان، دانش‌آموزان، انجمن اولیا و سایر اعضای مؤثر بر فرایند داخل مدرسه است. یک مدیر نمی‌تواند تنها با اتکا به قوانین، مدرسه‌ای موفق به وجود آورد. داشتن مدرسه‌ی موفق، یک تیم هم‌دل و همراه می‌خواهد. مدیر می‌تواند با ایجاد انگیزه و تعلق خاطر در همکاران برنامه‌های منسجم و همه‌جانبه را برای مدرسه‌ای متعالی برنامه‌ریزی و عملیاتی کند. موفقیت‌های سال‌های اخیر این دبستان نیز حاصل همین رویکرد و تلاش تیمی این مجموعه بوده است.

یکی دیگر از فعالیت‌های ما استفاده از فناوری روز است؛ مثلاً ما با مشارکت کارکنان مدرسه، تصویرهای چندقسمتی طراحی می‌کنیم یا تکه‌فیلم‌های (کلیپ‌های) تدوین‌شده از فعالیت‌های مدرسه که به‌صورت گزارشگری دانش‌آموزان و در قالب خبری است تهیه می‌کنیم و از طریق فضای مجازی و کانال‌های اطلاع‌رسانی مدرسه بازنشر می‌دهیم. اولیا و مسئولان از این کار بسیار استقبال می‌کنند.

### ■ از نحوه‌ی مدیریتتان راضی هستید؟

هر معلم یا مدیر در سال‌های اولیه، به دلیل کم‌تجربگی، خطاها و اشتباهاتی دارد که من هم از این موضوع مستثنی نیستم. به‌مرور با کسب تجربه‌ی بیشتر، اشتباهات کمتر می‌شود. در بحث تدریس هم در این سال‌ها نسبت به سال‌های ابتدای خدمت‌رسانی ترم، سال‌های قبل برای تدریس وقت خیلی زیادی می‌گذاشتم؛ اما از خروجی کلاس رضایت نداشتم. اکنون بعد از یک دهه تدریس وقتی به مبحثی می‌روم، بهتر از آن سال‌ها می‌دانم که این مبحث به چه پیش‌آموزشی نیاز دارد یا می‌فهمم چطور درس را به زندگی روزمره‌ی دانش‌آموز ارتباط دهم یا با چه مثال یا فعالیتی مفهوم را برای بچه‌ها آسان کنم یا چطور بچه‌ها را با موضوع درگیر کنم و... مطمئنم ده سال بعد نیز این حس را به الانم خواهیم داشت و بی‌تردید با تجربه‌تر خواهیم شد.

### ■ اگر خاطره‌ای از زمان تدریس یا مدیریتتان دارید بفرمایید؟

دنیای معلمی آن هم در روستاهای کم‌برخوردار پر از خاطرات تلخ و شیرین است. انتخاب یک خاطره از آن همه لحظات ناب کار دشواری

از مدیران بومی استفاده کند. علاوه بر این موضوع، روند کاری من این گونه بود که در هر سال تحصیلی برای اشتراک تجربه‌هایم با دیگر معلمان، گزارش مصوری از فعالیت‌هایم در کلاس و مدرسه تهیه می‌کردم و در وب‌نوشت شخصی‌ام قرار می‌دادم. در پایان سال هم کتابچه‌ی مصوری از آن فعالیت‌ها را چاپ می‌کردم و برای معاون آموزش ابتدایی شهرستان می‌فرستادم. پس از مشاهده‌ی عملکردم در دو سال اول تدریس، اعتمادشان را برای سپردن مدیریت مدرسه جلب کردم و توانستم در سومین سال تدریس مدیرآموزگار شوم. پس از مدیریت در مدرسه‌های چند روستا، در حال حاضر چهار سال است که مدیر مدرسه‌ی عابدی در روستای کورده هستم. این مدرسه در حال حاضر حدود ۲۳۰ دانش‌آموز دارد.

### ■ ارتباط شما با دانش‌آموزان چطور است و کار با آن‌ها را چگونه می‌بینید؟

اگر با علاقه و انگیزه با به وادی تعلیم و تربیت گذاشته باشیم، فضای کلاس و مدرسه دنیای شیرینی خواهد بود. هنر ارتباط مؤثر معلم با شاگردان یکی از اساسی‌ترین نیازهای فرایند تعلیم و تربیت است. اگر معلم نتواند برای بچه‌ها شخصیتی دوست‌داشتنی داشته باشد و نتواند بچه‌ها را به خود علاقه‌مند کند، نمی‌تواند در تدریس موفق باشد. ارتباط من هم با بچه‌ها در سال‌های تدریس با همین رویکرد بوده است. خیلی دوستانه و صمیمی رفتار می‌کنم تا با من راحت باشند. سعی می‌کنم کلاس را برایشان جذاب کنم تا آن‌ها با علاقه در کلاس حاضر شوند. این ارتباط نه‌فقط در طی سال تحصیلی است، بلکه بعد از گذشت چند سال همچنان ادامه دارد. من هنوز با دانش‌آموزانم که دیگر با من نیستند، ارتباطی دوستانه دارم و هر از گاهی با آن‌ها به طبیعت‌گردی و کوه‌پیمایی می‌روم. در عین حال رعایت حدود در ارتباط معلم و دانش‌آموز نیز باید مدنظر قرار گرفته شود. با بالا رفتن تجربه و سابقه، بیشتر بر این موضوع اشراف پیدا خواهیم کرد که چگونه رفتار کنیم تا در بستر ارتباط دوستانه و به‌دور از فشار روانی، شاگردی منظم و منضبط بار آید و از معلم نیز حساب ببرد.

### ■ در زمان تدریس یا مدیریت از روش و ایده‌ی خاصی استفاده می‌کنید؟

من در درس‌های متعدد تلاش کرده‌ام با

آموزشی  
دی‌ماه  
دوره‌ی بیست و ششم  
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۱

